



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

اصطلاحات عروسی و ازدواج به انگلیسی + مثال و ترجمه

ارسال شده توسط مصطفی ساهری ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ ۱۲۲ بازدید مقالات زبان انگلیسی



موضوعات این مقاله

۱ اصطلاحات عروسی و ازدواج به انگلیسی - پایه

۲ مراحل قبل از عروسی به انگلیسی

۳ نقش‌ها و افراد حاضر در عروسی

۴ لباس‌ها و وسایل عروسی

۵ اصطلاحات عروسی به انگلیسی - خود مراسم عروسی

۶ اصطلاحات عروسی به انگلیسی - جشن و مهمانی بعد از مراسم

۷ هدایا و رسم‌ها و سنت‌های عروسی

۸ اصطلاحات ازدواج به انگلیسی - قانونی و اداری

۹ اصطلاحات مربوط به زندگی بعد از ازدواج

۱۰ اصطلاحات و عبارات رایج مربوط به ازدواج

۱۱ جملات کاربردی و آماده برای موقعیت‌های واقعی عروسی

۱۲ صحبت در مراسم / جشن

۱۳ جمع بندی اصطلاحات عروسی و ازدواج به انگلیسی

ازدواج و مراسم عروسی از موقعیت‌هایی هستند که چه در زندگی واقعی، چه در فیلم‌ها و سریال‌های انگلیسی‌زبان زیاد با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم. در نتیجه، در **آموزش زبان انگلیسی**، دانستن اصطلاحات و واژگان مربوط به **wedding** (عروسی) و **marriage** (ازدواج) به شما کمک می‌کند دعوت‌نامه‌ها را بفهمید، در مراسم‌ها راحت‌تر صحبت کنید و مکالمه‌های طبیعی‌تری داشته باشید.

در این مقاله از آموزش زبان انگلیسی، مهم‌ترین کلمات و اصطلاحات عروسی به انگلیسی (و همچنین ازدواج) را به صورت دسته‌بندی‌شده، همراه با معنی و مثال‌های کاربردی یاد می‌گیریم.

اصطلاحات عروسی و ازدواج به انگلیسی - پایه

از پایه‌ای‌ترین و پرکاربردترین کلمات شروع می‌کنیم؛ این‌ها واژه‌هایی هستند که تقریباً در هر متن، فیلم، دعوت‌نامه یا مکالمه مربوط به ازدواج می‌بینید. اگر همین بخش را بلد باشید، ۵۰٪ مسیر را رفته‌اید:

wedding

مراسم عروسی

Their **wedding** will be held next Saturday.

مراسم عروسی آن‌ها شنبه آینده برگزار خواهد شد.

marriage

ازدواج (رابطه و پیوند رسمی)

Marriage requires trust and commitment.

ازدواج نیازمند اعتماد و تعهد است.

bride

عروس

The **bride** looked stunning in her white dress.

عروس در لباس سفید خود بسیار خیره‌کننده به نظر می‌رسید.

groom

داماد

The **groom** was waiting nervously at the altar.

داماد با اضطراب کنار محراب منتظر ایستاده بود.

couple

زوج / زن و شوهر

The **couple** met each other at university.

این زوج یکدیگر را در دانشگاه ملاقات کردند.

spouse

همسر (رسمی و حقوقی)

You must include your **spouse's** name on the form.

شما باید نام همسر خود را در فرم درج کنید.

ceremony

مراسم رسمی

The **ceremony** started at ۵ p.m.

مراسم ساعت پنج بعد از ظهر آغاز شد.

reception

جشن / مهمانی بعد از عروسی

The **reception** took place at a luxury hotel.

جشن عروسی در یک هتل مجلل برگزار شد.

newlyweds

تازه عروس و داماد / زوج تازه ازدواج کرده

The **newlyweds** left for their honeymoon the next day.

وج تازه ازدواج کرده روز بعد برای ماه عسل خود عازم شدند.

matrimony

زناشویی / پیوند ازدواج (رسمی و ادبی)

They decided to enter into **matrimony** after five years together.

آنها پس از پنج سال زندگی مشترک تصمیم گرفتند وارد پیوند زناشویی شوند.

بیشتر بخوانید: [اصطلاحات رابطه به انگلیسی](#)

مراحل قبل از عروسی به انگلیسی

در کلمات عروسی و ازدواج به انگلیسی، یکی از بخش‌های مهم موارد مربوط به قبل از مراسم عروسی هستند؛ یعنی زمانی که هنوز ازدواج رسمی نشده ولی همه چیز در حال برنامه‌ریزی است. این واژه‌ها در مکالمه‌های واقعی، دعوت‌نامه‌ها و حتی فرم‌های رسمی بسیار استفاده می‌شوند.

proposal

پیشنهاد ازدواج / خواستگاری

He planned a romantic **proposal** at the beach.

او یک خواستگاری عاشقانه در ساحل برنامه ریزی کرد.

propose (to someone)

از کسی خواستگاری کردن / پیشنهاد ازدواج دادن

He **proposed to her** on her birthday.

او در روز تولدش از وی خواستگاری کرد.

engagement

نامزدی (مرحله رسمی قبل از ازدواج)

Their **engagement** lasted for one year.

دوران نامزدی آنها یک سال به طول انجامید.

fiancé

نامزد (مذکر)

Her **fiancé** works as an engineer.

نامزد او به عنوان مهندس مشغول به کار است.

fiancée

نامزد (مونث)

He introduced his **fiancée** to his family.

او نامزد خود را به خانواده اش معرفی کرد.

engagement ring

حلقه نامزدی

She showed her **engagement ring** to her friends.

او حلقه نامزدی خود را به دوستانش نشان داد.

set a date

تعیین تاریخ (برای مراسم و عروسی و ...)

They finally **set a date** for the wedding.

آن‌ها سرانجام تاریخی برای مراسم عروسی تعیین کردند.

wedding planning

برنامه‌ریزی عروسی

Wedding planning can be stressful and time-consuming.

برنامه‌ریزی عروسی می‌تواند استرس‌زا و زمان‌بر باشد.

guest list

فهرست مهمانان

They reduced the **guest list** to save money.

آن‌ها برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها فهرست مهمانان را کاهش دادند.

invitation

دعوت‌نامه

We received the wedding **invitation** last week.

ما هفته گذشته دعوت‌نامه عروسی را دریافت کردیم.

RSVP

اعلام حضور یا عدم حضور (پاسخ به دعوت‌نامه)

Please **RSVP** before Friday.

لطفا پیش از روز جمعه حضور یا عدم حضور خود را اعلام فرمایید.

bridal shower

جشن قبل از عروسی برای عروس

Her friends organized a **bridal shower** for her.

دوستانش جشنی پیش از عروسی برای او برگزار کردند.

rehearsal dinner

شام تمرینی قبل از مراسم

The families met at the **rehearsal dinner** the night before.

خانواده‌ها شب قبل در شام تمرینی با یکدیگر دیدار کردند.

بیشتر بخوانید: اعضای خانواده به انگلیسی

نقش‌ها و افراد حاضر در عروسی

از جمله اصطلاحات عروسی به انگلیسی می‌توان به افراد در عروسی اشاره کرد؛ در هر مراسم عروسی فقط عروس و داماد نیستند بلکه کلی نقش و عنوان مشخص وجود دارد که در فیلم‌ها، سریال‌ها، و حتی دعوت‌نامه‌ها زیاد می‌بینیم. یاد گرفتن این بخش برای درک مکالمه‌های واقعی که شامل کلمات عروسی و ازدواج به انگلیسی هستند بسیار مهم است:

best man

ساقدوش / دوست صمیمی داماد (نفر اصلی همراه داماد)

The **best man** gave an emotional speech at the reception.

ساقدوش داماد در جشن عروسی سخنرانی احساسی‌ای ایراد کرد.

maid of honor

ساقدوش اصلی عروس

The **maid of honor** helped the bride with her dress.

ساقدوش اصلی عروس در پوشیدن لباس به او کمک کرد.

bridesmaid

ساقدوش‌های عروس

The **bridesmaids** wore matching dresses.

ساقدوش‌های عروس لباس‌های هماهنگ و مشابهی بر تن داشتند.

groomsman

ساقدوش‌های داماد

Each **groomsman** stood next to the groom during the ceremony.

هر یک از ساقدوش‌های داماد در طول مراسم کنار داماد ایستاده بودند.

flower girl

دختر گل‌ریزان (کودکی که گل می‌پاشد)

The **flower girl** walked down the aisle with a basket of petals.

دختر گل ریزون با سبدی از گلبرگ ها در راهرو مراسم قدم زد.

ring bearer

حامل حلقه (معمولا کودک)

The **ring bearer** carried the wedding rings carefully.

حامل حلقه، حلقه های ازدواج را با دقت حمل می کرد.

officiant

برگزارکننده / عاقد مراسم

The **officiant** declared them husband and wife.

برگزارکننده مراسم آن ها را زن و شوهر اعلام کرد.

priest

کشیش

The **priest** led the ceremony in the church.

کشیش مراسم را در کلیسا هدایت کرد.

minister

روحانی / مجری مذهبی مراسم

A **minister** performed the wedding service.

یک روحانی مراسم ازدواج را اجرا کرد.

witness

شاهد رسمی ازدواج

Two **witnesses** signed the marriage document.

دو شاهد رسمی سند ازدواج را امضا کردند.

wedding planner

برنامه‌ریز / مدیر مراسم عروسی

The **wedding planner** arranged all the decorations.

برنامه‌ریز عروسی تمامی تزئینات را سازمان‌دهی کرد.

guest

مهمان

Over two hundred **guests** attended the wedding.

بیش از دویست مهمان در مراسم عروسی حضور یافتند.

بیشتر بخوانید: [شغل‌ها در انگلیسی](#)

لباس‌ها و وسایل عروسی

لباس‌ها و اکسسوری‌های عروسی در فیلم‌ها، سریال‌ها، شبکه‌های اجتماعی و حتی مکالمه‌های روزمره زیاد تکرار می‌شوند. اگر این واژه‌ها را بلد باشید، توصیف کردن یک مراسم یا عکس عروسی برایتان بسیار راحت‌تر خواهد شد.

wedding dress

لباس عروس

She bought her **wedding dress** from a famous designer.

او لباس عروس خود را از یک طراح مشهور خریداری کرد.

gown

لباس مجلسی بلند و رسمی (لباس عروس / شب)

Her white **gown** was simple but elegant.

لباس بلند سفید او ساده اما بسیار شیک بود.

veil

تور عروس

The **veil** covered her face during the ceremony.

تور عروس در طول مراسم صورت او را پوشانده بود.

train

دنباله لباس عروس

The long **train** of her dress looked beautiful.

دنباله بلند لباس او بسیار زیبا به نظر می رسید.

bouquet

دسته گل عروس

She threw her **bouquet** to her friends.

او دسته گل خود را به سوی دوستانش پرتاب کرد.

tuxedo

کت و شلوار رسمی داماد (تاکسیدو)

The groom wore a black **tuxedo** with a bow tie.

داماد یک تاکسیدوی مشکی به همراه پاپیون پوشیده بود.

suit

کت و شلوار

All the groomsmen wore dark **suits**.

تمامی ساقدوش‌های داماد کت و شلوارهای تیره بر تن داشتند.

bow tie

پاپیون

He adjusted his **bow tie** before the photos.

او پیش از گرفتن عکس‌ها پاپیون خود را مرتب کرد.

boutonniere

گل روی کت داماد یا ساقدوش‌ها

Each groomsman wore a small **boutonniere**.

هر یک از ساقدوش‌های داماد یک گل کوچک روی کت خود داشتند.

corsage

گل تزئینی روی مچ یا لباس (معمولاً برای خانم‌ها)

Her mother wore a **corsage** on her wrist.

مادر او یک گل تزئینی بر روی مچ دست خود داشت.

wedding rings

حلقه‌های ازدواج

They chose simple gold **wedding rings**.

آن‌ها حلقه‌های طلای ساده‌ای برای ازدواج انتخاب کردند.

something old, something new, something borrowed, something blue

یک رسم قدیمی عروسی (داشتن چهار چیز نمادین برای خوش‌شانسی) / چیزی قدیمی - نماد گذشته، چیزی نو - نماد آینده، چیزی قرضی - نشانه خوشبختی و چیزی آبی - نشان عشق، پاکی و وفاداری

She followed the tradition of “**something old, something new, something borrowed, something blue.**”

او از رسم «چیزی قدیمی، چیزی نو، چیزی قرضی و چیزی آبی» پیروی کرد.

بیشتر بخوانید: لباس‌ها به انگلیسی

اصطلاحات عروسی به انگلیسی - خود مراسم عروسی

aisle

راهرو بین صندلی‌ها (مسیر حرکت عروس)

She walked slowly down the **aisle** with her father.

او به آرامی به همراه پدرش در راهروی مراسم قدم برداشت.

walk down the aisle

به سمت جایگاه مراسم رفتن (ورود رسمی عروس)

Everyone stood up when the bride **walked down the aisle**.

هنگامی که عروس وارد راهرو مراسم شد، همه حاضران از جای خود برخاستند.

altar

محراب / جایگاه اصلی اجرای مراسم

The groom was waiting for her at the **altar**.

داماد در جایگاه اصلی مراسم منتظر او ایستاده بود.

vows

سوگندها / عهدهای ازدواج

They wrote their own wedding **vows**.

آن‌ها سوگندهای ازدواج خود را شخصا نوشتند.

exchange vows

رد و بدل کردن سوگندهای ازدواج

The couple **exchanged** vows in front of their families.

این زوج در برابر خانواده‌های خود سوگندهای ازدواج را ادا کردند.

say "I do"

گفتن «بله» در مراسم ازدواج

She smiled and **said** "I do."

او لبخند زد و پاسخ «بله» را اعلام کرد.

exchange rings

حلقه رد و بدل کردن

They **exchanged rings** as a symbol of their commitment.

آن‌ها به عنوان نمادی از تعهد خود، حلقه‌ها را مبادله کردند.

pronounce husband and wife

زن و شوهر اعلام کردن (به صورت رسمی)

The officiant **pronounced them husband and wife**.

برگزارکننده مراسم آن‌ها را به طور رسمی زن و شوهر اعلام کرد.

sign the marriage certificate

امضای سند ازدواج

They **signed the marriage certificate** after the ceremony.

آن‌ها پس از مراسم، سند ازدواج را امضا کردند.

kiss the bride

بوسیدن عروس (لحظه معروف پایان مراسم)

The guests cheered when he **kissed the bride**.

هنگامی که او عروس را بوسید، مهمانان با شور و هیجان تشویق کردند.

just married

تازه ازدواج کرده

A “**Just Married**” sign was attached to their car.

تابلویی با عبارت «تازه ازدواج کرده» به خودروی آنها متصل شده بود.

confetti

خرده کاغذ رنگی / کانفتی

The guests threw **confetti** in the air.

مهمانان کاغذهای رنگی را در هوا پخش کردند.

بیشتر بخوانید: کلمات کاربردی زبان انگلیسی

اصطلاحات عروسی به انگلیسی – جشن و مهمانی بعد از مراسم

reception

جشن / مهمانی پس از مراسم عروسی

The **reception** was held at a five-star hotel.

جشن عروسی در یک هتل پنج ستاره برگزار شد.

venue

محل برگزاری مراسم

They booked the **venue** six months in advance.

آن‌ها محل برگزاری مراسم را شش ماه زودتر رزرو کردند.

banquet

ضيافت / مهمانی رسمی با غذا

A grand **banquet** was prepared for the guests.

یک ضیافت باشکوه برای مهمانان تدارک دیده شده بود.

seating plan

چیدمان / برنامه نشستن مهمان‌ها

The **seating plan** helped everyone find their table easily.

برنامه چیدمان صندلی‌ها به مهمانان کمک کرد تا میز خود را به راحتی پیدا کنند.

wedding cake

کیک عروسی

They cut the **wedding cake** together.

آن‌ها کیک عروسی را با یکدیگر برش دادند.

cut the cake

کیک عروسی را بریدن (آیین نمادین)

The couple **cut the cake** while the guests applauded.

این زوج در حالی که مهمانان تشویق می‌کردند، کیک را برش دادند.

toast

سخنرانی کوتاه / تبریک رسمی با نوشیدنی

Her father gave a heartfelt **toast**.

پدر او یک سخنرانی صمیمانه و تأثیرگذار ایراد کرد.

make a speech

سخنرانی کردن

The best man **made a** funny **speech**.

ساقدوش داماد سخنرانی طنزآمیزی ارائه کرد.

first dance

اولین رقص عروس و داماد

Their **first dance** was very romantic.

نخستین رقص آنها بسیار عاشقانه و دل نشین بود.

dance floor

محل رقص

The **dance floor** was full all night.

محل رقص در تمام طول شب مملو از جمعیت بود.

DJ (disc jockey)

دی جی / مسئول پخش موسیقی

The **DJ** played everyone's favorite songs.

دی جی آهنگ‌های مورد علاقه همه را پخش کرد.

live band

گروه موسیقی زنده

A **live band** performed during the reception.

یک گروه موسیقی زنده در طول جشن اجرا داشت.

buffet

سلف سرویس غذا

The **buffet** included a variety of international dishes.

سلف سرویس شامل انواع غذاهای بین المللی بود.

catering

خدمات تهیه و سرو غذا / کیتترینگ

They hired a professional **catering** company.

آنها یک شرکت حرفه ای خدمات پذیرایی استخدام کردند.

send-off

بدرقه پایانی عروس و داماد

The guests gathered outside for the couple's **send-off**.

مهمانان برای بدرقه پایانی زوج در بیرون جمع شدند.

بیشتر بخوانید: [غذاها به انگلیسی](#)

هدایا و رسم‌ها و سنت‌های عروسی

از جمله اصطلاحات ازدواج به انگلیسی، هدیه‌ها، مهمانی‌های قبل از عروسی و رسم‌های بعد از ازدواج هستند. به این موارد توجه کنید:

wedding gift

هدیه عروسی

We bought them a **wedding gift** from their registry.

ما هدیه عروسی آن‌ها را بر اساس فهرست انتخابی‌شان خریداری کردیم.

gift registry

فهرست هدایا (لیست رسمی اقلام پیشنهادی زوج)

The couple created a **gift registry** online.

این زوج یک فهرست هدایا را به صورت آنلاین تهیه کردند.

gift table

میز مخصوص قرار دادن هدایا

All the presents were placed on the **gift table**.

تمامی هدایا بر روی میز مخصوص هدایا قرار داده شده بود.

envelope

پاکت پول / کارت هدیه

Many guests gave money in an **envelope**.

بسیاری از مهمانان مبلغی پول را در یک پاکت هدیه کردند.

bachelor party

جشن قبل از ازدواج برای داماد / جشن مجردی

His friends organized a **bachelor party** for him.

دوستانش برای او یک جشن پیش از ازدواج برگزار کردند.

bachelorette party

جشن قبل از ازدواج برای عروس

She had a fun **bachelorette party** with her close friends.

او به همراه دوستان صمیمی‌اش یک جشن پیش از ازدواج شاد برگزار کرد.

honeymoon

ماه عسل

They went to Italy for their **honeymoon**.

آن‌ها برای ماه عسل خود به ایتالیا سفر کردند.

honeymoon suite

سوئیت مخصوص ماه عسل

The hotel upgraded them to a **honeymoon suite**.

هتل اقامت آن‌ها را به یک سوئیت ویژه ماه عسل ارتقا داد.

getaway car

خودروی خروج / حرکت عروس و داماد پس از مراسم

The couple left the venue in a decorated **getaway car**.

این زوج محل برگزاری مراسم را با یک خودروی تزئین شده ترک کردند.

throw the bouquet

پرتاب دسته گل عروس (رسم سنتی)

She **threw the bouquet** to the single women.

او دسته گل را به سوی زنان مجرد پرتاب کرد.

catch the bouquet

گرفتن دسته گل (نشانه ازدواج بعدی طبق رسم)

Everyone cheered when she **caught the bouquet**.

هنگامی که او دسته گل را گرفت، همه با شور و هیجان تشویق کردند.

tradition

سنت / رسم

This **tradition** has been followed for generations.

این سنت نسل‌هاست که رعایت می‌شود.

keepsake

یادگاری

They kept the invitation as a **keepsake**.

آن‌ها دعوت‌نامه را به عنوان یادگاری نگه داشتند.

thank-you card

کارت تشکر

The couple sent **thank-you cards** to all the guests.

این زوج برای تمامی مهمانان کارت‌های قدردانی ارسال کردند.

اصطلاحات ازدواج به انگلیسی - قانونی و اداری

marriage license

مجوز رسمی ازدواج

They applied for a **marriage license** at the city hall.

آنها برای دریافت مجوز رسمی ازدواج در شهرداری درخواست دادند.

marriage certificate

سند / گواهی ازدواج

You must present your **marriage certificate** to complete the process.

شما باید برای تکمیل فرآیند، گواهی ازدواج خود را ارائه دهید.

civil marriage

ازدواج مدنی (غیرمذهبی و قانونی)

They chose a **civil marriage** instead of a religious ceremony.

آنها به جای مراسم مذهبی، ازدواج مدنی را انتخاب کردند.

registry office

اداره ثبت احوال / دفتر ثبت رسمی

The wedding was held at the local **registry office**.

مراسم ازدواج در اداره ثبت رسمی محلی برگزار شد.

legal spouse

همسر قانونی

Only a **legal spouse** can access these benefits.

تنها همسر قانونی می‌تواند از این مزایا بهره‌مند شود.

marital status

وضعیت تأهل

Please indicate your **marital status** on the form.

لطفا وضعیت تأهل خود را در فرم مشخص فرمایید.

surname change

تغییر نام خانوادگی پس از ازدواج

She decided not to request a **surname change**.

او تصمیم گرفت برای تغییر نام خانوادگی خود درخواست ندهد.

joint account

حساب بانکی مشترک

The couple opened a **joint account** after the wedding.

این زوج پس از ازدواج یک حساب بانکی مشترک افتتاح کردند.

prenuptial agreement (prenup)

قرارداد پیش از ازدواج (توافق نامه مالی)

They signed a **prenuptial agreement** to protect their assets.

آنها برای محافظت از دارایی‌های خود یک قرارداد پیش از ازدواج امضا کردند.

property division

تقسیم اموال

Property division is determined by law.

تقسیم اموال بر اساس قانون تعیین می شود.

dependent

فرد تحت تکفل

You may include your spouse as a **dependent**.

شما می توانید همسر خود را به عنوان فرد تحت تکفل ثبت کنید.

spouse visa

ویزای همسر

She applied for a **spouse visa** to join her husband abroad.

او برای پیوستن به همسرش در خارج از کشور درخواست ویزای همسر داد.

household registration

ثبت خانوار / ثبت اقامت مشترک

They updated their **household registration** after moving.

آنها پس از جابه جایی، اطلاعات ثبت خانوار خود را به روزرسانی کردند.

legal document

مدرک / سند قانونی

Keep all **legal documents** in a safe place.

تمامی اسناد قانونی را در مکانی امن نگهداری کنید.

اصطلاحات مربوط به زندگی بعد از ازدواج

married life

زندگی زناشویی / زندگی مشترک

Married life requires patience and understanding.

زندگی زناشویی نیازمند صبر و درک متقابل است.

newlyweds

زوج تازه ازدواج کرده

The **newlyweds** moved into their new apartment.

زوج تازه ازدواج کرده به آپارتمان جدید خود نقل مکان کردند.

settle down

تشکیل زندگی ثابت و خانوادگی دادن

They decided to **settle down** in a quiet town.

آنها تصمیم گرفتند در شهری آرام زندگی خانوادگی خود را آغاز کنند.

start a family

تشکیل خانواده / بچه دار شدن

They plan to **start a family** next year.

آنها قصد دارند سال آینده تشکیل خانواده دهند.

anniversary

سالگرد ازدواج

They celebrated their tenth wedding anniversary.

آن‌ها دهمین سالگرد ازدواج خود را جشن گرفتند.

wedding anniversary

سالگرد عروسی

He bought flowers for their wedding anniversary.

او برای سالگرد عروسی‌شان گل خریداری کرد.

in-laws

خانواده همسر (خویشاوندان سببی)

We had dinner with my in-laws last night.

دیشب با خانواده همسرم شام صرف کردیم.

mother-in-law

مادرزن / مادرشوهر

His **mother-in-law** lives nearby.

مادر همسر او در نزدیکی محل سکونتشان زندگی می‌کند.

father-in-law

پدرزن / پدرشوهر

Her **father-in-law** helped them move house.

پدر همسرش در جابه‌جایی منزل به آنها کمک کرد.

shared responsibilities

مسئولیت‌های مشترک

Household tasks should be **shared responsibilities**.

امور خانه باید به صورت مسئولیت‌های مشترک انجام شود.

household

خانوار / مجموعه افراد یک خانه

They manage the **household** expenses together.

آن‌ها هزینه‌های خانوار را به صورت مشترک مدیریت می‌کنند.

breadwinner

نان‌آور خانواده

She is the main **breadwinner** of the family.

او نان‌آور اصلی خانواده است.

raise children

بزرگ کردن فرزندان

Raising children requires time and dedication.

بزرگ کردن فرزندان نیازمند زمان و تعهد فراوان است.

lifelong commitment

تعهد مادام‌العمر

Marriage is considered a **lifelong commitment**.

ازدواج یک تعهد مادام‌العمر تلقی می‌شود.

support each other

از یکدیگر حمایت کردن

Successful couples always **support each other**.

زوج‌های موفق همواره از یکدیگر حمایت می‌کنند.

اصطلاحات و عبارات رایج مربوط به ازدواج

tie the knot

ازدواج کردن

They decided to **tie the knot** this summer.

آن‌ها تصمیم گرفتند تابستان امسال ازدواج کنند.

pop the question

پیشنهاد ازدواج دادن / خواستگاری کردن

He finally **popped the question** during their trip to Paris.

او سرانجام در سفرشان به پاریس پیشنهاد ازدواج را مطرح کرد.

walk down the aisle

به طور رسمی ازدواج کردن / راهی مراسم شدن

She can't wait to **walk down the aisle**.

او بی صبرانه منتظر است تا وارد مراسم ازدواج شود.

say "I do"

بله گفتن در مراسم ازدواج

They **said "I do"** in front of their closest friends.

آنها در حضور نزدیک ترین دوستان خود پاسخ «بله» را اعلام کردند.

wedding bells

نشانه نزدیک بودن ازدواج

I hear **wedding bells** for those two.

به نظر می‌رسد ازدواج آن دو نزدیک است.

hitched (get hitched)

ازدواج کردن (غیررسمی / محاوره‌ای)

They **got hitched** last weekend.

آن‌ها آخر هفته گذشته ازدواج کردند.

match made in heaven

زوج کاملاً مناسب / ساخته شده برای هم

Everyone says they **are a match made in heaven**.

همه معتقدند که آن‌ها کاملاً مناسب یکدیگر هستند.

honeymoon phase

دوره‌ی ماه عسل / اوایل زندگی مشترک شیرین

They are still in the **honeymoon phase** of their marriage.

آن‌ها هنوز در دوره‌ی شیرین و ابتدایی زندگی مشترک خود به سر می‌برند.

old ball and chain

اصطلاح طنز/کنایه آمیز برای همسر

He jokingly called his wife his “**old ball and chain.**”

او به شوخی همسرش را «یار همیشگی‌اش» خطاب کرد.

settle down

تشکیل زندگی خانوادگی دادن

After years of travel, they decided to **settle down.**

آن‌ها پس از سال‌ها سفر تصمیم گرفتند زندگی خانوادگی ثابتی تشکیل دهند.

wedding jitters

استرس و اضطراب قبل از عروسی

It's normal to have **wedding jitters** before the ceremony.

داشتن اضطراب پیش از مراسم عروسی امری طبیعی است.

a **shotgun wedding**

ازدواج عجولانه / اجباری

It turned into a **shotgun wedding** due to family pressure.

این ازدواج به دلیل فشار خانواده به صورت شتابزده انجام شد.

happily ever after

زندگی خوشبختانه تا پایان عمر

They promised to live **happily ever after**.

آن‌ها متعهد شدند تا پایان عمر زندگی خوشبختانه‌ای داشته باشند.

جملات کاربردی و آماده برای موقعیت‌های واقعی عروسی

تبریک گفتن

Congratulations on your wedding!

ازدواجتان مبارک باد!

I wish you a lifetime of happiness together.

برای شما یک عمر خوشبختی مشترک آرزو می‌کنم.

May your life together be full of love and joy.

باشد که زندگی مشترکتان سرشار از عشق و شادی باشد.

Best wishes to both of you on your special day.

در این روز ویژه، بهترین آرزوها را برای هر دوی شما دارم.

دعوت کردن

We would be honored by your presence at our wedding ceremony.

حضور شما در مراسم ازدواج ما موجب افتخار خواهد بود.

You are warmly invited to our wedding reception.

بدین وسیله صمیمانه به جشن عروسی ما دعوت می‌شوید.

Please join us to celebrate our marriage.

لطفاً برای جشن گرفتن ازدواج ما به ما بپیوندید.

پاسخ به دعوت

Thank you for the invitation. I will be happy to attend.

از دعوت شما سپاسگزارم. با کمال میل حضور خواهم یافت.

Unfortunately, I won't be able to attend the wedding.

متأسفانه امکان حضور در مراسم عروسی را نخواهم داشت.

I look forward to celebrating with you.

مشتاقانه منتظر جشن گرفتن در کنار شما هستم.

صحبت در مراسم / جشن

Let's raise a glass to the happy couple.

بیایید به سلامتی این زوج خوشبخت جامی بلند کنیم.

Thank you all for coming tonight.

از حضور همه شما در امشب صمیمانه سپاسگزاریم.

It means a lot to us that you are here.

حضور شما برای ما بسیار ارزشمند است.

We truly appreciate your love and support.

ما صمیمانه قدردان محبت و حمایت شما هستیم.

آرزوهای رسمی و مودبانه

Wishing you a beautiful journey ahead.

برای شما در مسیر پیش رو سفری زیبا آرزو می‌کنم.

May your marriage grow stronger every year.

باشد که ازدواجتان هر سال مستحکم‌تر شود.

Stay happy and cherish each other always.

همواره شاد باشید و قدر یکدیگر را بدانید.

You two look perfect together.

شما دو نفر در کنار هم فوق‌العاده به نظر می‌رسید.

The ceremony was beautiful.

مراسم بسیار زیبا و دل‌نشین بود.

The food and music were amazing.

غذا و موسیقی فوق‌العاده بود.

جمع بندی اصطلاحات عروسی و ازدواج به انگلیسی

اصطلاحات عروسی و ازدواج به انگلیسی فقط چند لغت ساده نیستند، بلکه مجموعه‌ای از واژه‌ها و عبارات کاربردی‌اند که در دعوت‌نامه‌ها، مراسم رسمی، فیلم‌ها و مکالمه‌های روزمره زیاد شنیده می‌شوند. با یادگیری این کلمات می‌توانید درباره مراحل قبل از عروسی، خودِ مراسم، جشن، مسائل قانونی و حتی زندگی بعد از ازدواج با اعتماد به نفس صحبت کنید.

اکنون شما مهم‌ترین واژگان wedding و marriage را به صورت دسته‌بندی شده و همراه با مثال‌های واقعی در اختیار دارید.

تفاوت wedding و marriage چیست؟

Wedding به مراسم عروسی اشاره دارد، اما **marriage** به خود رابطه و پیوند قانونی و زندگی مشترک پس از ازدواج گفته می‌شود.

برای «نامزد» در انگلیسی از چه کلماتی استفاده می‌شود؟

برای مرد از **fiancé** و برای زن از **fiancée** استفاده می‌شود.

اصطلاح رایج و محاوره‌ای برای «ازدواج کردن» چیست؟

عباراتی مانند **tie the knot** و **get hitched** در مکالمه روزمره بسیار رایج هستند.

اگر بخواهیم تبریک رسمی بگوییم چه جمله‌ای مناسب است؟

می‌توانید بگویید:

Congratulations on your wedding. I wish you a lifetime of happiness

«ازدواجتان مبارک باد. برای شما یک عمر خوشبختی آرزو می‌کنم.»

مهم‌ترین اصطلاحات اداری و قانونی ازدواج کدام‌اند؟

واژه‌هایی مانند **marriage license**، **marriage certificate**، **civil marriage** و **spouse visa** در امور رسمی و مهاجرتی کاربرد زیادی دارند.